

چالش ها و موانع تحصیلی کودکان استثنایی و راه های مقابله با آنها

فدیبه دیداه، محمود فخری، علیرضا مهدوی فر، زکیه هدایتی و مهدی نیازی

۱. کارشناسی ارشد آموزش ابتدایی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد آزاد شهر، kadijedidah@gmail.com

۲. کارشناسی ارشد مدیریت برنامه ریزی درسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد آزاد شهر، kadijedidah@gmail.com

۳. کارشناسی آموزش ابتدایی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد آزاد شهر، alireza_2p17@yahoo.com

۴. کارشناسی ارشد ریاضی کاربردی، دانشگاه پیام نور واحد مشهد، ghoghnos.paez@gmail.com

۵. کارشناسی ارشد برنامه ریزی درسی، دانشگاه گنبد شمس، Mr.mahdi2589@gmail.com

چکیده

کودکان استثنایی از همسالان خود با توانایی‌های یادگیری، رفتار، و ظاهر جسمانی متفاوتند. به دلیل وجود این تفاوت‌ها، آنها ممکن است در یادگیری و کارکرد طبیعی دچار محدودیت شوند. تحصیل یکی از حقوق اساسی هر کودک است، اما کودکان استثنایی باید با چالش‌ها و موانع منحصر به فردی روبرو شوند. چالش‌ها و موانع تحصیلی کودکان استثنایی شامل مواردی همچون ناتوانی‌های یادگیری، ناتوانی‌های حرکتی، ناتوانی‌های شناختی، اختلال‌های توجه و رفتار، ناتوانی‌های شنوایی یا بصری و اختلالات ارتباطی می‌شود. این چالش‌ها می‌توانند بر توانمندی‌های آموزشی و تحصیلی این کودکان تأثیر منفی بگذارند. برای مقابله با این چالش‌ها می‌توان برنامه‌ها و فعالیت‌های تحصیلی ویژه برای هر دانش‌آموز تدوین کرد که به نیازهای وی احترام بگذارد و از او حمایت کند. تخصیص منابع و امکانات ویژه مانند کلاس‌های کوچک‌تر، استفاده از فناوری‌های آموزشی، ارائه خدمات حمایتی و توجه ویژه از طرف معلمان و کادر آموزشی نیز در این راستا می‌تواند مؤثر باشد. بهره‌گیری از روش‌های آموزشی متنوع، ارتقاء همکاری والدین با مدرسه، ارائه خدمات حمایتی مانند مشاوره، توانمندسازی والدین و ارائه اطلاعات به‌روز به آنها نیز از دیگر راهکارهای مواجهه با چالش‌ها و موانع تحصیلی کودکان استثنایی است. در این مقاله به بررسی این چالش‌ها و موانع تحصیلی و راه‌های مقابله با آنها می‌پردازیم. تحقیق حاضر به روش کتابخانه‌ای تهیه و نگاشته شده است.

کلیدواژه‌ها: آموزش آموزش، کودکان استثنایی، چالش‌ها و موانع، موانع تحصیلی

مقدمه

تحصیل کردن برای همه کودکان یک حق بنیادین است، اما کودکان استثنایی برخی چالش‌ها و موانع خاصی را در این مسیر تجربه می‌کنند. این موانع می‌توانند از مشکلات یادگیری تا محدودیت‌های جسمی یا ذهنی مختلفی شامل شوند. از این رو، شناخت چالش‌ها و موانع تحصیلی این گروه از کودکان و ارائه راهکارهای مناسب برای آنها امری حیاتی است. خانواده به عنوان یک سیستم متقابل و وابسته، مورد توجه قرار می‌گیرد. اعضای آن به‌طور فردی بر یکدیگر تأثیر می‌گذارند به‌طوری که هر عضو بتواند بر دیگری اثر بگذارد و در نهایت تأثیرگذاری آنها بر کل خانواده مشهود خواهد بود. (۱).

کودکان استثنایی یا کودکان با نیازهای خاص، گروهی از کودکان را توصیف می‌کند که در یک یا چند توانایی حسی، حرکتی یا هوشی با میانگین جامعه تفاوت دارند. این تعریف شامل مشکلات رفتاری مانند بیش‌فعالی یا اوتیسم هم می‌شود. این کودکان به عنوان استثنایی شناخته می‌شوند چون گروه کوچکتري از جامعه را تشکیل می‌دهند نسبت به اکثریت.

با توجه به نیازهای خاص آموزشی و مراقبتی این کودکان، یک زمینه تخصصی در علم روانشناسی به بررسی این کودکان و شیوه آموزش آنها می‌پردازد. کودکان استثنایی به دلیل نیازهای ویژه‌ای که برای مراقبت از آنها باید از طرف والدین و آموزگاران صورت بگیرد، بیشتر مورد توجه قرار می‌گیرند. هرچه زودتر استثنایی بودن کودک تشخیص داده شود، درمان و آموزش‌ها تأثیر بیشتری بر عملکرد کودک خواهد داشت. والدین با آگاهی از نشانه‌ها و علائم رفتاری کودکان استثنایی ممکن است به وجود اختلالی مشکوک شوند؛ اما برای تشخیص قطعی، متخصصان با استفاده از ابزارهایی مانند تست‌های هوش، آزمایشات خونی و سی‌تی اسکن به شما پاسخ می‌دهند.

کودکان استثنایی، کودکانی هستند که از نظر جسمی، روانی و هوشی با کودکان دیگر متفاوتند. طیف وسیعی از کودکان استثنایی وجود دارند. برخی از این کودکان عقب‌مانده ذهنی هستند، برخی بسیار باهوش‌اند و بعضی از آنها ممکن است نابینا، ناشنوا یا ناسازگار از نظر جسمی معلول باشند. شاید بتوان گفت همه انواع کودکان استثنایی در یک ویژگی نادر بودن با هم اشتراک دارند؛ آنها در اقلیت هستند و همین موجب می‌شود که برای حضور در جامعه و سازگاری با آن، به کمک احتیاج داشته باشند. نکته مهمی که در مورد آموزش کودکان استثنایی باید خاطرنشان شود این است که پیروزی و موفقیت بیمار فقط به میزان معلولیت بستگی ندارد، بلکه میزان توانایی‌های بیمار در به حرکت درآوردن اعضای سالم برای جبران قسمت‌های معلول، میزان فعالیت و پشتکار خودشان، محیط خانواده و کاردانی مربیان نیز در این امر دخالت دارد.

اکثر کودکان با استعداد زمان زیادی را در مدارس می‌گذرانند. طراحی برنامه‌های آموزشی برای این کودکان اهمیت بسیاری دارد. ارزش‌هایی که در مدارس آموخته می‌شوند، نمایانگر ارزش‌های اجتماعی هستند و مشکلاتی که در آنجا برخورد می‌شود، بخشی از ساختار جامعه بزرگتر است. در گذشته، جامعه افراد استثنایی را تبدیل به افراد آزار دهنده و نگهداری آنها در موسسات خیریه می‌کرد، اما اکنون سعی می‌شود که آنها را به عنوان اعضای مفیدی برای جامعه شناخته و پذیرفت (۲). مربیان همچنین تلاش کرده‌اند کودکان معلول را به برنامه‌هایی وارد کنند که حداقل میزان محرومیت را تجربه کنند. در این برنامه‌ها، کودکان را در کلاس‌های عادی گنجانده و در عین حال به نیازهای آموزشی آنها پاسخ دهند. (۳).

به طور کلی، کودکان استثنایی برخی چالش‌های عمومی روبرو هستند که زندگی آنها و خانواده‌هایشان را دشوار می‌کند. اصطلاح "معلول" شامل محدودتری است. به عبارت دیگر، هر کودک معلول استثنایی است، اما هر کودک استثنایی لزوماً معلول نیست. لذا واژه‌های "استثنایی" و "معلول" باید به معنی یکسان استفاده نشوند. آنها ممکن است دارای مشکلات مختلفی از جمله کم‌توانی ذهنی، ناتوانی‌های یادگیری، آشفتگی‌های هیجانی، ناتوانی‌های جسمی، اختلالات گفتار و زبان، آسیب شنوایی یا دیداری باشند و یا حتی در مقابله با سرآمد و با استعداد باشند. در زمینه آموزش و یادگیری، دانش‌آموزان معلول حرکتی، ناشنوا، نابینا، عقب‌مانده ذهنی و دارای اختلالات رفتاری یا یادگیری در مدارس استثنایی تحصیل می‌کنند. در چند سال اخیر، تلاش شده است که دانش‌آموزان استثنایی وارد مدارس عادی شوند. سیستم آموزش و پرورش استثنایی بر این اساس است که افراد را به گونه‌ای آموزش دهد که در آینده بتوانند با کمک متناسب، زندگی خودشان را اداره کنند. مسائل

اقتصادی و اشتغال نیز در این زمینه بسیار اهمیت دارند و به همین دلیل در حوزه‌های مختلف، توجه ویژه‌ای به آنها شده است. (۴).

معلول کیست؟

واژه "معلول" به افرادی گفته می‌شود که به دلیل نقص، جسمی، ذهنی یا اختلال رفتاری، مشکلات و مسائل خاصی دارند و به توجه فوق‌العاده نیازمندند. در واقع، اصطلاح "معلول" دارای شمول محدودتری است. به عبارت دیگر، هر کودک معلول "استثنایی" نیز می‌باشد. اما هر کودک استثنایی، لزوماً "معلول" نیست. بنابراین، نباید واژه‌های "استثنایی" و "معلول" را به عنوان مترادف استفاده کرد. (۴).

کودک استثنایی کیست؟

کودکانی که به عنوان کودکان استثنایی شناخته می‌شوند که ضریب هوشی آنها دو انحراف معیار بالاتر یا پایین‌تر از سایر کودکان باشد. این کودکان به خدمات آموزشی ویژه و حمایت‌های گسترده نیاز دارند تا از کل استعداد خود استفاده کنند. آنها به دریافت خدمات آموزشی نیازمند هستند، چرا که اکثر آنها در یک یا چند مهارت به شرح زیر با یکدیگر تفاوت دارند. آنها ممکن است کم‌توانی ذهنی، ناتوانی‌های یادگیری، آشفتگی‌های هیجانی، ناتوانی‌های جسمی، اختلال‌های گفتار و زبان، آسیب شنوایی یا آسیب دیداری داشته باشند یا در مقابل سرآمد و بسیار با استعداد باشند. (۴).

۲. چالش‌های تحصیلی کودکان استثنایی

نیاز به آموزش و یادگیری یک نیاز همگانی است و برآوردن این نیاز برای برخی افراد جامعه مستلزم فراهم سازی شرایط و تسهیلاتی است. برای اینکه دانش آموزان با نیازهای ویژه به مهارت "با هم زیستن" دست پیدا کنند، باید زمینه تعامل بیشتر آنها را با همسالان عادی فراهم کنیم. در این راستا، رویکرد آموزش فراگیر در حال اجرا است. در این رویکرد، گروه‌هایی از دانش آموزان با نیازهای ویژه از جمله کودکان دیر آموز، آسیب‌دیده‌های کودکی، دانش‌آموزان با مشکلات بینایی، شنوایی و رفتاری - هیجانی خفیف در مدارس عادی و در کنار همسالان خود تحصیل می‌کنند. (۶).

با توجه به گفته‌ها، یادگیری با هم زیستن یکی از مؤلفه‌های اساسی آموزش است. تأکید بر تفاوت‌های فردی می‌تواند باعث جدایی کودکان در فرایند آموزش و یادگیری شود، اما با تأکید بر تعهدات آموزشی و انعطاف‌پذیری، دانش‌آموزان با نیازهای ویژه قادرند با همسالان عادی خود به تحصیل ادامه دهند. رویکرد آموزش فراگیر به منظور ایجاد فرصت‌های برابر آموزشی و پرورشی و تقویت ارتباط اجتماعی مناسب بین دانش‌آموزان با نیازهای ویژه و همسالان عادی، تحت توجه قرار گرفته است. در این رویکرد، دانش‌آموزان با نیازهای ویژه به‌طور مناسب به محل زندگی‌شان نزدیک شده و با تأیید ادارات آموزش و پرورش، از خدمات آموزگار یا دبیر رابط بهره می‌برند. (۶).

جای دهی مناسب دانش آموزان با نیازهای ویژه در کلاس‌های عادی نیازمند تغییرات و فراهم سازی امکانات و مناسب سازی فضاها است (۸). در اجرای این رویکرد، موانعی روبه‌رو می‌شویم. از یک سو، با توجه به اینکه مسئولیت اصلی آموزش دانش‌آموزان با نیازهای ویژه در این رویکرد به عهده معلمان واحدهای آموزش عادی است، اصلاح نگرش و برداشت صحیح از ویژگی‌ها و توانمندی‌های دانش‌آموزان با نیازهای ویژه به اجرای صحیح و واقعی این رویکرد کمک شایانی می‌کند. از سوی دیگر، ارایه خدمات حمایتی مناسب، از جمله معلم رابط و نیروی توان بخشی، به عنوان پاسخ به نیاز واقعی کودک، از ضرورت‌های اجرای موفقیت‌آمیز آن است. هدف نهایی این رویکرد، افزون بر کسب تجارب آموزش عمومی مشترک، تقویت ارتباط‌ها، اجتماعی، تقویت مهارت‌های زندگی و یادگیری با هم‌زیستن بدون توجه به تفاوت‌های فردی و عملکرد تحصیلی آنها است. (۹). چالش‌های تحصیلی کودکان استثنایی ممکن است بسیار متنوع باشند و بسته به نوع استثنایی بودن کودک متفاوت باشد. این چالش‌ها می‌توانند شامل مشکلات در یادگیری، ارتباطات اجتماعی، عصبی، حسی، حرکتی و ... باشند.

برخی از چالش‌های تحصیلی کودکان استثنایی شامل عوامل زیر می‌شود:

۱. درک و یادگیری: برخی از کودکان استثنایی ممکن است دشواری‌هایی در درک مطالب یا یادگیری مهارت‌های مختلف مانند خواندن، نوشتن یا حساب داشتن داشته باشند.

۲. اختلالات هیجانی و رفتاری: برخی از کودکان ممکن است با مشکلاتی مانند اختلال نقص توجه و بیش‌فعالی یا اختلال وسواسی-کمرنگی روبرو شوند که می‌تواند بر عملکرد تحصیلی آن‌ها تأثیر بگذارد.

۳. اختلالات حرکتی: کودکانی که با مشکلات حرکتی یا اختلالات عصبی مواجه هستند ممکن است دشواری‌هایی در شرکت در فعالیت‌های تحصیلی از قبیل نوشتن یا مشارکت فیزیکی داشته باشند.

۴. اختلالات حسی: کودکانی که اختلالات حسی دارند ممکن است به سختی تحمل تحریکات حسی مثل نور یا صدا را داشته باشند که می‌تواند توجه آن‌ها در کلاس‌های درسی را پرت کند.

برای هر یک از این چالش‌ها، برنامه‌های آموزشی و محیط‌های درسی ویژه‌ای وجود دارند تا به کودکان استثنایی کمک کنند تا پتانسیل‌هایشان را بهتر بشناسند و در محیط‌های آموزشی موفق باشند.

۱.۲. به‌طور کلی از نظر آموزشی به گروه‌های زیر استثنایی گفته می‌شود:

۱. کودکان کم‌توان یا عقب‌مانده ذهنی یا کودکان آهسته‌گام
 ۲. کودکان مبتلا به اختلال در یادگیری
 ۳. کودکان سازش‌نیافته یا ناسازگار
 ۴. کودکان دارای اختلالات گویایی
 ۵. کودکان دچار نارسایی‌های شنوایی
 ۶. کودکان دچار نارسایی‌های بینایی
 ۷. کودکان دارای بیماری‌های مزمن خاص از قبیل بیماری قند، صرع
 ۸. کودکان دچار نقص عضو یا فلج مغزی یا حرکتی (معلولین جسمی_ حرکتی)
 ۹. کودکان دارای معلولیت‌های مضاعف
 ۱۰. کودکان تیزهوش و پراستعداد
- معمولاً به این ده گروه استثنایی گفته می‌شود. البته هر یک به دسته‌های فرعی دیگر تقسیم می‌شوند. بر اساس بررسی‌ها و آمارهای مجامع علمی و فرهنگی بین‌المللی، نظیر یونسکو (۵) و برخی کشورهای غربی، حدود ۱۰ تا ۱۵ درصد از کودکان مدرسه رو (۷ تا ۱۸ سال یا ۶ تا ۱۷ سال) هر کشور، استثنایی‌اند و نیاز به توجه خاص آموزشی دارند.

۲.۲. محدودیت‌های فیزیکی

کودکان با معلولیت‌های جسمی ممکن است با مشکلات دسترسی به محتوای آموزشی و فضاهای آموزشی مواجه شوند. نمونه‌ای از این مشکلات:

- هنگامی که کودکان استثنایی در مدارس عادی درس می‌خوانند باید با کودکان معمولی رقابت داشته باشند و این امر برای آنها دشوار است.
- کودکان استثنایی هنگام تحصیل در مدارس عادی، به دلیل معلولیت‌هایی که دارند، اعتماد به نفس خود را از دست داده و گوشه‌گیر می‌شوند.
- بعضی از مدیران مدارس عادی از پذیرش کودکان استثنایی خودداری می‌کنند.
- محیط آموزشی عادی امکانات لازم را برای کودکان استثنایی ندارد. مثلاً کودکی که دچار معلولیت جسمی است نمیتواند از پله‌های مدرسه بالا رود.
- فضاهای آموزشی عادی، فرهنگ پذیرش دانش‌آموزان استثنایی را ندارند.
- ممکن است کودکان استثنایی با عدم پذیرش همکلاسی‌هایشان روبرو شوند.
- توجه بیش از حد معلم به دانش‌آموزان استثنایی میتواند حسادت دانش‌آموزان دیگر را برانگیزد.

- اگر کودک استثنایی از کودکان عادی باهوش تر باشد، ممکن است مورد حسادت و رفتار خصمانه کودکان دیگر واقع شود.
- معلمان عادی، نحوه و چگونگی ارتباط برقرار کردن با کودکان استثنایی را نمیدانند؛ برای مثال معلم عادی از آموزش های تقلیدی بی خبر است.
- کودکان استثنایی هنگام درس خواندن در مدارس معمولی، در زنگ های ورزش نمیتوانند همچون دیگر همسالان به فعالیت بپردازند.

۳.۲. مشکلات ذهنی و رفتاری

کودکان با اختلالات رفتاری یا ذهنی نیاز به توجه و حمایت خاص دارند تا بتوانند از فرصت های آموزشی بهره مند شوند. "مشکلات ذهنی و رفتاری کودکان استثنایی" به مشکلاتی اشاره دارد که در زمینه های ذهنی و رفتاری برای کودکان و نوجوانان وجود دارد. این مشکلات می توانند از طیف وسیعی از اختلالات شامل اختلالات خلقی مانند اختلال نارسایی توجه/فزون فعالیت، اختلال وابستگی به مواد، اختلال اضطرابی، اختلال اختلال وابستگی به اینترنت، اختلال شخصیتی و اختلالات وسواسی - اجباری متنوع باشند. این مشکلات می توانند بر توانایی کودک در مدرسه، در خانه و در جوامع اطرافش تأثیرگذار باشند.

برای مدیریت و درمان این نوع مشکلات، ارائه حمایت های مناسب از آسیب دیدگان و خانواده هایشان، آموزش ها و مهارت های ارتباطی، مشاوره، و در صورت لزوم داروها و مداخلات پزشکی استفاده می شود. بهبود و مدیریت این مشکلات با افزایش آگاهی ها و تحقیقات در این زمینه میسرتر است.

۴.۲. نیازهای آموزشی ویژه

بعضی از کودکان نیازمند برنامه های آموزشی منحصر به فرد هستند تا بتوانند بهترین امکانات آموزشی را دریافت کنند. با توجه به نیازهای خاص این کودکان، از جمله نیاز به نیروی انسانی مجرب و ورزیده و همچنین وسایل آموزشی و کمک های آموزشی، دو راه برای تأمین آموزش و پرورش آن ها مطرح می شود.

اولین راه این است که کودکان استثنایی در مدارس موجود باقی بمانند و امکانات لازم از جمله کارشناسان متخصص، معلمان ویژه، وسایل و تجهیزات آموزشی و کمک های آموزشی به آن ها فراهم شود. اما اگر این راه قابلیت اجرا نداشته باشد، باید راهکارهای دیگری برای تأمین نیازهای آموزشی این کودکان پیگیری شود. این موضوع ممکن است به دلیل کمبود نیروی انسانی متخصص و تجهیزات آموزشی در سطوح مختلف کشور به مشکل بخورد. در واقع، حتی کشورهای غربی نیز با محدودیت ها و چالش های مشابه مواجه هستند. (۱۰). بهترین راه استفاده از تمام امکانات از جمله نیروی انسانی متخصص و مجرب و تجهیزات آموزشی، تمرکز آنها در چند مدرسه خاص و فرستادن کودکان استثنایی به آن مدارس است. البته این روش را می توان به شکل های مختلفی اجرا کرد، مانند دایر کردن برنامه فوق العاده آموزش استثنایی در مدرسه عادی، ایجاد کلاس های نیمه وقت و تمام وقت در مدارس و تأسیس مدارس روزانه و شبانه روزی. این شیوه آموزش و پرورش کودکان استثنایی شامل همه کودکان استثنایی اعم از تیزهوش، نابینا، ناشنوا و عقب مانده ذهنی است. البته جزئیات برنامه های آموزشی هر یک از کودکان استثنایی، به ویژه آموزش و پرورش دانش آموزان تیزهوش، و تجارب موفق در کشورهای مختلف در این زمینه نیازمند بحث جداگانه ای است. با این حال هدف اصلی ارائه برنامه آموزشی مؤثرترین متناسب با ویژگی های زیستی، شناختی و عاطفی هر دسته از کودکان استثنایی در چارچوب امکانات و مقدرات جامعه است.

۳. موانع تحصیلی

۱.۳. نیازمندی های آموزشی ناکامل

یکی از چالش های رویکرد فراگیر در آموزش و پرورش، عدم آگاهی معلمان و مدیران در اجرای آن است. آموزش کسانی که در حوزه آموزش و پرورش نقش دارند، به ویژه معلمان و مدیران، می تواند سبب آگاهی آنها در جهت اجرای صحیح آموزش و

پرورش فراگیر شود. مدیریت مدرسه نیز نقش بسزایی در تغییر نگرش عوامل داخل و خارج از مدرسه و فراهم سازی فضای مناسب جهت پذیرش دانش‌آموزان دارای نیازهای ویژه دارد.

در بیانیه‌ی سالامانکا آمده که اگر به مدیران مدارس اختیار و آموزش کافی داده شود، آنها می‌توانند در ارتقای توان یادگیری مدارس برای کودکان دارای نیازهای ویژه نقش عمده‌ای ایفا نمایند. باید از آنها دعوت شود که روش‌های مدیریتی انعطاف‌پذیرتر و منابع آموزشی بیشتری را به کار گیرند. شیوه‌های یادگیری را متنوع‌تر کنند، کمک‌های دانش‌آموز به دانش‌آموز را تحریک بخشند، از شاگردان حمایت کنند تا راه‌های مقابله با مشکلات جدید را بیاموزند و با والدین آنها و جامعه ارتباط نزدیک‌تری برقرار سازند. (۱۱).

برای آموزگاران اجرای رویکرد فراگیر، نیاز به اقداماتی بر افزایش دانش و ارتقاء مهارت‌هایشان دارد. هر چه دانش و مهارت آموزگاران گسترش یابد، آنان بهتر می‌توانند تفاوت‌ها را پذیرفته و با برنامه‌ریزی مناسب، در کلاس درس اقدامات مناسبی را انجام دهند. (۱۱).

یکی از چالش‌های رسیدن به آموزش و پرورش فراگیر، تاکید بعضی معلمان بر ارزشیابی سنتی است که باعث ایجاد جدایی و حصار بین دانش‌آموزان می‌شود. یکی دیگر از موانع، نظام‌های آموزشی هستند که تفاوت‌ها را نمی‌پذیرند و با ارزشیابی سنتی و وابسته به محفوظات، تفاوت‌ها را دامن زده و بی رحمانه منجر به حذف برخی از دانش‌آموزان در طول دوره تحصیلی می‌شود. این نظام‌ها نمی‌توانند پاسخگوی نیازهای امروز جامعه ما باشند و زمینه‌ساز اجرای آموزش فراگیر نیز نمی‌توانند باشند. (۱۲).

مدرسه‌ها باید برای پذیرش و خدمات رسانی به کودکانی با محدودیت‌های حسی، حرکتی یا ذهنی، امکانات فیزیکی و شرایط آموزشی مناسب فراهم کنند. برخورد مناسب و منظم معلمان نیز برای آموزش کودکان با نیازهای خاص ضروری است. عدم فراهم آوری شرایط این گروه از کودکان را از محیط آموزشی حذف نمی‌کند بلکه آنها را به اندازه دیگری از آموزش بهره‌مند می‌کند. نادیده گرفتن نیازهای این گروه افراد به آموزش و پرورش، منجر به خسارت بزرگی برای این افراد و نظام آموزشی می‌شود. آموزش و پرورش باید از ابتدا برای تمامی افراد شکل گیرد. (۱۲).

در حال حاضر یکی از چالش‌های اصلی در جهت گسترش آموزش فراگیر، عدم فراهم کردن منابع و خدمات لازم برای مدارس است. به عبارت دیگر، سیستمی که به دنبال تحقق آموزش فراگیر است باید امکانات و خدمات مورد نیاز را به مدارس فراهم کند. بحث هزینه‌ها، منابع کمکی و خدمات تکمیلی و مدیریت منابع انسانی، می‌تواند موانعی دیگر در راه گسترش آموزش فراگیر باشد. هر چند برخی افراد آموزش فراگیر را به عنوان یک انتظار غیر واقعی از نظر اقتصادی معرفی می‌کنند، اما طبق نظر مرکز مطالعات آموزش و پرورش فراگیر، نگرش‌ها و عدم تعهد در انتقال منابع از مراکز مختلف، به عنوان موانع اصلی در راه گسترش آموزش فراگیر محسوب می‌شوند و نه کمبود مالی و امکانات. (۱۲).

عوامل اجتماعی-اقتصادی

در مناطق با سطح پایین‌ترین خدمات اولیه، وضعیت نابرابری و کمبودها در نظام آموزشی وجود دارد. این مشکلات بدیهی‌ترین موقعیت‌های شکست در نظام آموزشی هستند. یک دغدغه مهم این است که آیا بودجه مخصوص دانش‌آموزان با نیازهای ویژه باید از طریق آموزش ویژه یا آموزش عادی تأمین شود. با توجه به هزینه‌های بالای دانش‌آموزان با نیازهای ویژه، پیشنهاد می‌شود که با کمک تسهیل‌گران، هزینه‌ها از طریق آموزش عادی فراهم شوند. (۲).

منابع تجهیزاتی

در هر مدرسه، انواع مختلفی از تجهیزات و وسایل برای مواد درسی از قبیل تربیت بدنی، علوم تجربی، حرفه و فن و ... وجود دارد. به علاوه، لوازم و تجهیزاتی همچون تخته سیاه که نقش مؤثری در آموزش دارند، نیز در مدارس عمومی موجود است. اما بیشتر از حد نیاز برای دانش‌آموزان با ناتوانی هستند و این موضوع لطمات جدی به جریان آموزش این گروه وارد می‌کند. بنابراین، مناسب‌سازی در زمینه تجهیزات، بسیار اساسی و حائز اهمیت است. (۱۳).

فضای فیزیکی

اینجانب با ایجاد شرایط و فضاهای آموزشی مناسب برای همه‌ی دانش‌آموزان، محرومیت و موانع ملموس آموزش و پرورش را بر طرف می‌کنم. فضاهای آموزشی هر مدرسه شامل فضاهای داخلی و خارجی است که باید برای منظوره‌های مختلف مناسب باشند؛ از جمله زمین بازی، سالن اجتماعات و امتحانات، آزمایشگاه، سرویس‌های بهداشتی و کلاس‌های درس. برای دانش‌آموزان با نیازهای خاص مانند کودک نابینا، کودکی که از صندلی چرخدار استفاده می‌کند و کودکی که به علت قد کوتاه نیاز به کمک دارد، فضاهای آموزشی باید قابلیت عبور و مرور را داشته باشند. مثلاً، برای کودکان کم‌بینا باید امکان داشته باشد تا خطوط تخته سیاه را به‌خوبی بخوانند و برای دانش‌آموزانی که از صندلی چرخدار استفاده می‌کنند، باید تسهیلاتی برای دسترسی به طبقات بالا و پله‌ها فراهم شود. در نتیجه، باید از طراحی و ساختار فضاهای آموزشی و تأمین تسهیلات مناسب برای دانش‌آموزان با نیازهای خاص اطمینان حاصل کرد. این اقدامات نشان‌دهنده توجه به افراد مختلف و ارتقای روند آموزش و پرورش است.

فرهنگ و نگرش جامعه

فرهنگ و نگرش جامعه بسیار بر روی پذیرش و اجرای رویکرد فراگیر تأثیرگذار هستند. نظام آموزشی باید قبل و حین اجرای آموزش و پرورش، فرهنگ سازی و ارزش‌گذاری لازم را برای پذیرش دانش‌آموزان مختلف جامعه توسط دانش‌آموزان عادی انجام دهد. هدف آموزش و پرورش باید این باشد که بعد از فراگیر شدن دانش‌آموزانی که متفاوت هستند، برچسب زنی، ترحم نکردن و یا با کارهای اشتباه دیگر، آن‌ها را دچار آسیب بیشتر نسازند.

نگرش‌ها

استفاده از نگرش منفی در مقابل تفاوت‌ها و تعصب‌های اجتماعی، به عنوان موانعی برای پیشرفت آموزش فراگیر عمل می‌کنند. یکی از عوامل اساسی در آموزش فراگیر، نقش معلمان و نگرش آن‌ها نسبت به آموزش فراگیر است. وجود نگرش مثبت برای اجرای موفقیت‌آمیز برنامه‌های فراگیر، یکی از ضرورت‌های اساسی برای ایجاد تعهد در کارگزاران و متولیان آموزشی است، به منظور تسهیل یافتن تلفیق کامل و فعال‌تر کردن یادگیری کامل‌تر دانش‌آموزان با ناتوانی در مدارس عادی. (۲)

علاوه بر آموزش پرورش بخش قابل توجهی از وظایف آموزش فراگیر به عهده بخش‌های مختلف جامعه است؛ عدم همکاری هر یک از سازمان‌ها و بخش‌های مرتبط جامعه می‌تواند مانع و چالش جدی در تحقق اهداف آموزش فراگیر باشد.

۲.۳. تبعیض و استرس

علاوه بر مسائل آموزشی این کودکان از هر نوعی که باشند با برخی چالش‌های عمومی روبه‌رو هستند مسائل و موضوعات مختلفی زندگی این کودکان و خانواده‌های آنها را متفاوت و در بسیاری از موارد دشوار می‌کند. بنابراین، استرس بیشتری نیز باید تحمل کنند. برخی از این موارد شامل:

طرد توسط جامعه

این افراد روبه‌رو با مشکلاتی هستند که در برخی موارد منجر به عدم پذیرش آنها توسط جامعه و حتی ناپردهای و بدرفتاری می‌شود. مثلاً در مکان‌های عمومی مثل مترو، اتوبوس، پارک و بازار، نیازهای این افراد در نظر گرفته نشده است. یک کودک نابینا چگونه می‌تواند در مترو راهش را پیدا کند یا از پله‌ها و مسیرها عبور کند؟ زندگی با اختلال بینایی بسیار مشکل است و ناکافی بودن تدابیر جامعه موجب مشکلات بیشتری می‌شود. (۴).

احساس حقارت در کودکان استثنایی

وقتی اشخاص با تفاوت‌های خود با دیگران آشنا می‌شوند، برای آنها بحرانی پیش می‌آید که تأثیراتی عمیق بر روی خودشان دارد. بعضی افراد این تفاوت را به عنوان منبع الهام برای اثبات توانایی‌ها و پیشرفت خود در زمینه‌های مختلف می‌بینند، در حالی که برخی دیگر ممکن است به دنبال رفتگی و انزوا شوند. دید منفی و جو منفی اجتماع نسبت به این افراد، و مقایسه‌های انجام شده توسط دوستان، والدین و مراجع قدرت مانند معلم می‌تواند حس منفی این افراد را تقویت کند. (۴).

مسائل خانوادگی

معمولا وجود یک فرد با نیازهای ویژه، مسئولیت بار، روانی تنش و وظایف بیشتر و پیچیده تری را برای اعضای خانواده ایجاد می کند؛ یک فرد با نیازهای ویژه می تواند مناسبات و تعامل های داخل خانواده را دچار تغییر کند و این تفاوت ها بسته به صفات شخصیتی و روانی محیط اجتماعی اقتصادی و عوامل اثرگذار دیگر می تواند به دو صورت ایجاد شود. در بعضی خانواده ها می تواند منجر به همبستگی بیشتر اعضای خانواده و بستری برای رشد هرچه بیشتر تک تک اعضا و مخصوصا کودک استثنایی شود اما در برخی دیگر از خانواده ها این اتفاق به صورت عکس می افتد و یک چرخه مخرب و آسیب زننده به تک تک اعضای خانواده حس تنش را منتقل میکند (۴).

روابط اجتماعی

در خیلی از موارد این اشخاص در برقراری ارتباط با دیگران دچار نقص هستند و این اشکال در روابط می تواند بر اثر کمبود اعتماد به نفس، ویژگی های خاص فرد و پیش فرض های منفی جامعه باشد (۴).

۴. راه های مقابله

۱.۴. ایجاد برنامه های آموزشی ویژه

آموزش و پرورش در جهت راهنمایی مشاوره و هدایت مستمر بزرگسالان استثنایی در زمینه های خانوادگی، رفاهی شغلی و اجتماعی و نحوه ادامه تحصیلات عالی به برخی از دانش آموزان استثنایی نظیر دانش آموزان ناشنوا نابینا و به خصوص تیزهوش که از سرمایه های ارزنده جامعه اند، کاملا ضروری است.

اقدامات بایسته

با توجه به مراتب فوق و برای پر کردن شکاف های بزرگی که متأسفانه در قلمرو تعلیم و تربیت کودکان استثنایی وجود دارد اقدامات زیر لازم به نظر می رسد:

- ✓ تهیه ابزارهای لازم برای مطالعه میزان هوش
- ✓ نوع شخصیت و هم چنین سنجش ویژگی های حسی و حرکتی کودکان (مانند بینایی و شنوایی) قبل از آن که به مؤسسات آموزشی راه یابند.
- ✓ مطالعه همه کودکانی که به مدرسه راه می یابند با روش های علمی و تشکیل پرونده خاص برای هر یک که حاکی از وضعیت ذهنی جسمی و رفتاری دانش آموز باشد.
- ✓ ایجاد تقویت و گسترش دوره های تخصصی برای تحقیق درباره کودکان استثنایی و تربیت معلمان و کارشناسان تعلیم و تربیت کودکان استثنایی به میزان مورد نیاز در سطوح کارشناسی کارشناسی ارشد و دکتری
- ✓ تأسیس مؤسسات آموزشی و توان بخشی خاص برای کودکان استثنایی با تدوین برنامه هایی که در کلاس های مشترک و با روش های آموزش و پرورش انفرادی درباره کودکانی با ویژگی های متفاوت قابل اجرا باشد.
- ✓ تدوین برنامه جامع اطلاع رسانی برای آگاه کردن والدین این قبیل کودکان و جلب توجه آنان به این که هرچه کودکان استثنایی زودتر شناسایی شوند، آسان تر و بهتر می توان به یاری آنان شتافت.
- ✓ تأسیس مراکز راهنمایی و مشاوره، والدین به خصوص مشاوره ژنتیکی یکی از اقدامات بسیار مهم و حیاتی در این زمینه است.
- ✓ تهیه و تدوین مواد آموزشی کاربردی
- ✓ طراحی، تأسیس و اداره مراکز آموزشی و توان بخشی جامع و هدایت شده شغلی و حرفه ای برای نوجوانانی که با عقب ماندگی ذهنی و ناتوانایی های حسی و حرکتی مواجه اند.
- ✓ اتخاذ تدابیر لازم برای پیشگیری از وقوع معلولیت های ذهنی و جسمی و حسی و حرکتی با همکاری و هماهنگی وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی صدا و سیما و دیگر سازمان های ذی ربط و مؤثر تردیدی نیست که درصد قابل توجهی از معلولیت های مختلف با ارائه مشاوره های فردی و ژنتیکی قبل از ازدواج، آموزش های دوران بارداری،

ملاحظات و مراقبت های زمان تولد، دقت در مراحل اولیه رشد به خصوص دوره شیرخواری و پیش دبستانی قابل پیشگیری است.

۲.۴. حمایت اجتماعی و روان شناختی

تمام کودکان، از جمله کودکان معلول و استثنایی حق دارند که از نیازهای اساسی که برای بقا و امنیت و آسایش آن ها لازم است بهره مند باشند. این حقوق شامل حقوقی است که به آن ها امکان می دهد تا حد توانایی خود به رشد جسمی و ذهنی رسیده و با توجه به سن و میزان رشد عقلی خود به عنوان عضوی از جامعه عمل نمایند و به یک شهروند مسئول و علاقمند به امور جامعه تبدیل شوند. نیازهایی که باعث شود آنها شاد زندگی کنند و احساس کمبود نداشته باشند. باید از تمام مکان های امن برای بازی بهره مند باشند با کودکان عادی در تماس باشند، از محیط خانه و پرورشگاه بیرون بیایند و از هوای تازه استفاده کنند. احتیاج به موسیقی، مدرسه، کتابخانه، و تمام لوازمی که موجب برانگیختن ذهن و قوه ی یادگیری شان شود دارند. حق، امری ذاتی و مستقل است و ما نمیتوانیم حقوق کودکی را به خاطر شرایط خاصش از او بگیریم. آنها حق اظهار نظر دارند و نباید این کودکان را از حقوقشان محروم کرد. (۱۴).

۵. نتیجه گیری

کودکان استثنایی، کودکانی هستند که از نظر جسمی، روانی و هوشی با کودکان دیگر متفاوت اند. این کودکان طیف گسترده ای از ویژگی ها و مشکلات دارند. برخی از آنها عقب مانده ذهنی هستند، درحالی که بعضی دیگر بسیار باهوش و با استعدادند. همچنین، ممکن است برخی از آنها نابینا، ناشنوا، ناسازگار یا از نظر جسمی معلول باشند. می توان گفت که همه این کودکان در ویژگی نادر بودن با هم اشتراک دارند. آنها اقلیتی جدا از جامعه هستند و نیاز به کمک و حمایت دارند تا بتوانند در جامعه شرکت کرده و با آن سازگار شوند. به دلیل حضور طولانی مدت بسیاری از آنها در مدارس، ضروری است که برنامه های آموزشی مناسب برای آنها طراحی شود که از اهمیت بالایی برخوردار است. برطرف کردن چالش ها و موانع تحصیلی این کودکان از تلاش گسترده و هماهنگی در سطح جامعه است. با اتخاذ رویکردهای مناسب و ایجاد تغییرات در سازمان ها و اجتماعات، می توان بهبود چشمگیری در محیط تحصیلی این کودکان ایجاد کرد. چالش ها و موانع تحصیلی کودکان استثنایی می تواند شامل مشکلاتی مانند عدم توجه به نیازهای خاص آنان، فرصت های محدود برای آموزش و پرورش، تبعیض و تعصب، مشکلات حسی یا جسمی، مشکلات رفتاری و یادگیری و ... باشد. برای مقابله با این چالش ها می توان به ایجاد محیط های آموزشی و پرورشی مناسب با توجه به نیازهای خاص کودکان استثنایی، ارتقاء آگاهی عمومی درباره این موضوع، حمایت از خانواده ها و ارائه خدمات پشتیبانی به آنان اشاره کرد. از دیگر راهکارهای ممکن می توان به اشراک فناوری های آموزشی مناسب، استفاده از روش های آموزشی متنوع و منطبق با نیازهای آن ها و ایجاد فرصت های برابر دسترسی به آموزش اشاره کرد

۶. منابع

۱. مک گراف، (۱۹۹۱) روانشناسی خانواده موفق، ترجمه محمد مهدی شریعت باقری، تهران: نشر دانژه
 ۲. به پڑوه، احمد، عاشوری، محمد. (۱۳۹۳) دانش آموزان با نیازهای ویژه و آموزش فراگیر: نقش اولیا و مربیان. ماهنامه پیوند، شماره ۴۲۰
 ۳. اندیشمند، ویدا. کمالی، لیلیا. آموزش های ویژه برای کودکان استثنایی. مجله پیشرفتهای نوین در روانشناسی، علوم تربیتی و آموزش و پرورش، سال دوم، شماره ۱۸، آذر ۱۳۹۸
 ۴. نوری کوچی، حمیده. محمدی، عصمت. کودکان استثنایی، شناخت و چالش های مربوط به آنها در ایران. هفتمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در مدیریت، روانشناسی و آموزش و پرورش
5. Current surveys and research, especial education is statistics, UNESCO, 1999
۶. سازمان آموزش و پرورش استثنایی کشور، شیوه نامه اجرایی آیین نامه آموزش و پرورش تلفیقی_ فراگیر کودکان با نیازهای ویژه. مصوبه ۸۵۴مین جلسه شورای عالی آموزش و پرورش، ۱۳۹۲

7. Stubbs,s.&Lewis,l. inclusive education, where there are few resources. Oxford: Atals Aliance.2008
8. Nigmatov.Z.G. humanitarian technologies of inclusive education. Social and behavioral sciences.156,159.(2014)
۹. غلامحسین زاده،حسن. آموزش فراگیر: وضعیت موجود و مطلوب. تعلیم و تربیت استثنایی،سال پانزدهم،اردیبهشت ۱۳۹۴،شماره ۲
10. Milton.V.wisland.T.D.raughn(1986): adminis trative problems in special education, excepectional children, xxxi.no2,p
۱۱. ساعی منش ، صمد (۱۳۸۸) فلسفه و مبانی آموزش و پرورش فراگیر مجله تعلیم و تربیت کودکان استثنایی ، ۱۰ (۹۸-۹۹)
۱۲. کاکو جویباری علی اصغر و هوسپیان آلیس (۱۳۸۰) مبانی فلسفی آموزش و پرورش فراگیر ، تهران : نشر مشاهیر
۱۳. عاشوری محمد و جلیل ، ابکنار سیده سمیه (۱۳۹۲) از عادی سازی تا آموزش فراگیر تحولی در نظام آموزشی مجله تعلیم و تربیت کودکان استثنایی ۱۳ (۴) ، ۴۹۶۰
۱۴. مجیدی معین،فرزانه. حقوق کودکان معلول و استثنایی در حقوق ایران و بین الملل. اولین همایش ملی جهانی سازی حقوق کودکان و نوجوانان از دیدگاه حقوقی و روانشناسی،۱۳۹۷